

ذکر رفیع! [ر.ک: متنهی الامال ۱ / ۵۴]

ابن عباس گوید: ابوسفیان (پدر معاویه و پدر بزرگ یزید) در آخر عمرش نایبینا شده بود؛ روزی در مجلسی نشسته بودیم و حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام الله الملک الغائب - نیز در آن مجلس بود، پس مؤذن اذان گفت چون « اشهد ان محمد رسول الله » گفت، ابوسفیان گفت: آیا کسی در این مجلس هست که از او باید ملاحظه (پروا) کرد؟ شخصی از حاضران گفت: نه. ابوسفیان گفت: ببینید این مرد هاشمی (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) نام خود را در کجا قرار داده است. پس حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) گفت: خدا دیده تو را گریان گرداند ای ابوسفیان، خدا چنین کرده است. او (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) نکرده است زیرا که حق تعالی فرموده: « و رفعنا لک ذکرک » ، و نام نیکوی تو را (به رغم دشمنان) در عالم بلند کردیم. ابوسفیان گفت: خدا بگریاند دیده کسی را که گفت در اینجا کسی نیست که از او ملاحظه باید کرد و مرا بازی داد.

به دست آهن تفته کردن خمیر...!

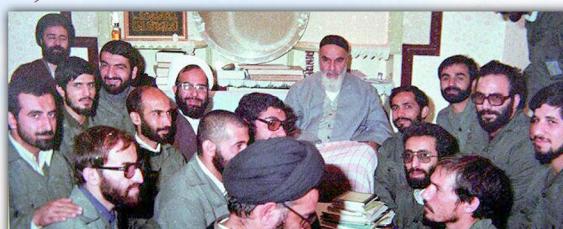
سعدي در گلستان می گويد: دو برادر بودند، يكى توانگر و ديگرى دروپيش، توانگر به قول او در خدمت ديوان بود، خدمتگزار بود، ولی آن دروپيش يك آدم كارگر بود و به تعبيير سعدي از زور بازوی خودش نان می خورد. برادر توانگر يك روز به برادر دروپيش گفت: برادر! تو چرا خدمت نمی کنی تا از اين مشقت برهی؟ تو هم بيا مثل من در خدمت ديوان (آي) تا از اين رنج و رحمت و مشقت، از اين كارگري، از اين هيژشم شکني، از اين كارهای بسيار سخت رهایي يابي. برادر دروپيش جواب داد: تو چرا كار نمی کنی تا از ذلت خدمت برهی؟ تو به من می گوبي تو چرا خدمت نمی کنی تا از اين رنج و مشقت كار برهی، من به تو می گويم تو چرا كار نمی کنی، متتحمل رنج و مشقت نمی شوي تا از ذلت خدمت برهی؟ او خدمت را با آنهمه مال و ثروت و توانابي که دارد (ولی چون خدمت است چون سلب آزادی است، چون خم شدن پيش غير است) ذلت تشخيص می دهد؛ بعد می گويد: خردمدان گفته اند که نان خود خوردن و نشستن، به، که کمر زرين بستن و در خدمت ديگري ايستادن.
به دست آهن تفته کردن خمیر
به از دست برسيمه پيش امير

[شهيد مرتضى مطبرى، آزادی معنوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و هفتم، ۱۳۸۶، ص ۲۹ و ۳۰]

سدی که سد امام را نشکست

سال های آخر جنگ، جبهه ها اوضاع خوبی نداشت. پیروزی نداشتیم و کارها به خوبی پیش نمی رفت. گره عجیبی در کارجنگ افتاده بود. اوآخر سال ۶۶ فرماندهان به فکر عملیاتی افتادند که قفل ایجاد شده در جنگ را بشکنند، عملیاتی عظیم و پر هیبت و در عین حال سرنوشت ساز. طرح اندام سد دریندی خان عراق به طور کامل سری و محروم‌انه مطرح شد. این طرح، نو بود و بسیار سخت و پیچیده. پیش بینی شده بود که اگر سد منهدم شود می تواند در روند جنگ تأثیر به سزاگی داشته باشد. سه راه برای این کار پیشنهاد شد. يكی اینکه تیمی پارتیزانی عمل کند. مقداری مهمات ببرد و سد را منهدم کند و برگردد. تصویر او لیه این بود که به سادگی می شود به آن سد عظیم دسترسی پیدا کرد و صدمه زد. تیم مورد نظر شکل گرفت. آن ها رفتهند، اقدام هم کردند، اما بی نتیجه بود. راه دوم، تیمی بود که می گفتند، دوشه تا یگان می خواهیم در آن جا مستقر شوند تا ماسر فرستت بنوانیم سازه های ضعیف سد را شناسایی کرده، منهدم کنیم. راه سوم، راه پیشنهادی بچه های تخربی بود که از طرف قرارگاه خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله مأموریت انجام آن را به بنده دادند. من چند تا از بچه های خوش فکر و توانمند تخربی را جمع کردم؛ با هم مشورت کردیم. جمع بندی مان این بود که: اولآ بدون مطالعه و از شیوه پارتیزانی، این کار ناشدنی است. ثانیاً پیش از مطالعه در سرزمین خودمان مطالعه کنیم. ببینیم سازه اش چیست و چقدر مواد می خواهد. قرارگاه نظر ما را پذیرفت و ما رفتیم دنبال مطالعه و شناسایی. تمام سد های ایران را مطالعه کردیم. قبل از دیدن سدها کار را دست کم گرفته بودیم. اما بعد از مطالعه و دیدن فهمیدیم باید کار را جدی تر بگیریم. فهمیدیم می شود جاههایی از سد را شکاف داد، اما تخربی آن، پروژه ای است فوق تصور. ادامه مطالعات، منجر به این شد که پیشنهاد بدھیم نقشه خود سد دریندی خان عراق را تهیی کنند. تهیی ی نقشه کار ساده ای نبود. همه دست به کار شدند تا اینکه مهندس سرداری نقشه ها را از طریق آمریکا تهیی کرد. بررسی ها به طور دقیق تر انجام شد. راههای ورودی و خروجی سد، جاههایی که فشار آب شدید است و ... در جمع بندی، اعلام کرده بودیم، سد با انفجار قابل تخربی نیست، اما نقاط ضعفی دارد که اگر آن نقاط منهدم شود، هجوم آب باعث تخربی سد خواهد شد. یعنی خود سد منجر به تخربی خودش خواهد شد، نه مواد منفجره. پیش بینی ما این بود که اگر سد تخربی شود، آب با چنان سرعتی سرازیر می شود که رژیم عراق نمی تواند در برابر شکننده کوچکترین عکس العملی نشان دهد. کارشناسان محاسبه کرده بودند که آن حجم از آب با آن فشار اگر اتفاق بیفتد، دولت عراق را کاملاً فلوجه می کند. و لشگر های زرهی اش را در باتلاق ها گرفتار می نماید. وقتی کار به آخرین مرحله اجرایی رسید، فرماندهان جنگ پیش از اقدام طرح را برندند نزد امام. و از امام نظر خواستند. حضرت امام قاطعه اه گفته بودند که « نه. چون منجر به آسیب ملت مظلوم و بی گناه عراق می شود نباید اجرا شود! »

[خاطره ای از سید مقدم حاج حسینی جانشین واحد تخربی قرارگاه کربلا، برگرفته از کتاب ورود فرماندهان ممنوع، صفحه ۱۳۷ تا ۱۳۶]



برخی مسئولان در مراکز نظامی، ادارات و ارگان های دولتی وسائل بیت المال را به عنوان تسهیلات به مسئولین تحت امر خود واگذار می کنند. حکم آن را بیان فرمایید.

سوال

تابع حدود و اختیارات قانونی مسئول یا فرمانده واگذار کننده است و برخلاف آن جایز نیست و موجب ضمان است.

جواب

(استفتایات از مقام معظم رهبری امام خامنه ای، جزو فقه سازمانی، پژوهشگاه امام صادق علیه السلام).